

تدریس زبان فارسی - افتراح

ما تخصصی در ادبیات نداریم و زبان فارسی را هم هیچوقت تدریس نکرده که در آن تجربه داشته باشیم ولی آنچه را که از نظر خوددور نداشته ایم اینست که تدریس زبان فارسی در ایران چندان شباهت بتدریس السنه خارجه در اروپا ندارد و روی هم رفته نتایجی که از تحصیل زبان منظور است و استفاد هائیکه اروپائیان پس از چند سال تحصیل از زبان مادری خود میبرند برای ما میسر نیست: از تألیفات نویسندگان بزرگ خود کاملاً بهره نبرده و بمقاصد اصلیه و روح خیالات آنان پی نمیریم و چنانچه موقعی قصد نویسندگی کنیم شاید در هر موضوعی دوسه ورق چیز مینویسیم ولی از ترتیب و تنسب جملات و انتظام و ارتباط مفاهیم و مطالب منظوره عاجز می مانیم مثلاً قسمتی را که برای توجه و حاضر ساختن ذهن خواننده لازمست در ابتدا بگوئیم در آخر بیان می نمائیم و یا بین فرعی و اصلی تمیز نگذاشته مهم را با غیر مهم مخلوط میکنیم بملاحظات مزبوره تصور می نمائیم طرز تدریس زبان فارسی در مدارس ایرانی بر طبق اصول مسلمه و اساس صحیحی که کافل احتیاجات و کافی ایجاد قوه تفهیم و تفهم در شاگردان باشد نیست در صورتیکه همه میدانیم اساس همه تحصیلات بر روی این ماده مهم قرار گرفته و مادام که این منظور مهم چنانکه سزاوار است در اذهان معلمین و متعلمین رسوخ کامل نیابد حقیقه سایر معلومات چندان قدر و قیمتی ندارد بعقیده ما مقتض است اولیای امور و مخصوصاً استادان فن توجه کامل باین موضوع مهم اساسی معطوف داشته بجمع قوی بکوشند که حتی الامکان طرز تدریس زبان فارسی را سهل و آسان

نمایند و رفته رفته محصلین را بجانب مقصد راهنمایی کنند البته چون ما تخصصی در این امر نداریم شاید نتوانیم باندازه کافی بیان مقصود نمائیم ولی اگر سیره مطلوب اینست که هر کسی راه حلی را که بان عقیده دارد ارائه داده یا لا اقل آنچه را که از سایرین دیده و بنظرش پسندیده آمده است در معرض افکار قرار دهد ما حاضریم در اینجا يك درس بطور نمونه - بطریقیکه فرانسویان تدریس میکنند - برای اطلاع ارباب ذوق مطرح نمائیم و امیدواریم که پس از ممارست و مطالعه اسلوبهای مختلفه زمینه بر طبق اصول پداگژی بدست آوریم که برای عموم معلمین و شاگردان نافع و مفید افتد

* * *

درس ذیل راجع بیکی از قطعات اشعار شاعر معروف فرانسه آلفرد موسه است که ترجمه ادبی آن بوسیله آقای ع . م شوقی صورت تنظیم یافته :

ستاره بی رنگ شام

« ای کوکب رنگ رفته شبانگاه ! و ای بیک دورنشینی که پیشانی فروزان و جبهه رخشان از پس پرده های ظلمت و خیام دیجور شب جلوه گری و خود نمایی میکنند ! از آن قصر و بارگاه لاجوردیت در کمر آسمان چه نظاره میکنی و از نگاه خیره خیره عرصه دشت و دره و ساحت وادی و بیابان چه میجوئی ؟

« طوفان رفت و باد ملایم و تمام گشت اما جنگل لرزان بر روی بونه های خود رو میگردد و پروانگان طلائی از معابر عطر پاش چمن و مسیر عنبر فشان کلشن میکدرند

« ای ستاره در این زمین خاموش خواب آلود چه تفحص میکنی افسوس می بینمت باغوش جبال میخیزی ای دوست مالینغولیائی من میگریزی ولبخند میزنی و نزدیک است چشمک لرزان و نگاه مترازمت محو و نا پیدا شود

« ای نقطه درخشانی که به پشت پشته های زنگاری قطرات حزن آور سیمین خیمه شب را فرود می آوری ! و ای که از آن مواقع رفیعه و دست نارس خود شبان ماشی را در حالیکه رمه گوسفندان پا بپا متعاقبش در حرکتند مشاهده می نمائی !

« پس در این شام سیه عزم کجا داری ؟ آیا در سواحل يك خوابگاه نیستانیرا انتظار و آرزو داری ؟ و الا باین زیبایی و طنزازی در سکوت مطلق شب بکجا میروی ؟ شاید میخواهی همچون مروارید شفاف و در متلائی باعماق بحر بیکران در غلظی ؟

« آه ای ستاره قشنگ ! اگر بقنا و نیستی محکومی قبل از اینکه سرت در دریای پهناور و اقیانوس ژرف فرود آید و کیسوان خرمائیت در موجات آن غوطه ور گردد لحظه توقف کن و آئی در مقابل ما بیای ای ستاره محبت از اعماق آسمانها نزول منمای »

تدریس این قطعه شامل چند قسمت است : اول قرائت و مطالعه متن از حیث لغت و معنای جملات دوم بیان غرض و صورت متن سوم عملیات دستوری چهارم تمرینات کتبی در نتیجه مشاهدات پنجم موضوع نویسی .

۱ - قرائت و مطالعه متن

(۱) قطعه باید با لحن بلند قرائت شود : نویسندگان معروف

وقتی مبادرت بنوشتن میکنند مقصودشان فقط لفاظی و عبارت پردازی نیست بلکه منظور اصلی آنها بیان احساسات و عواطف و خیالات درونی میباشد پس تصنیفات ایشان باید طوری خوانده شود که تصور کنیم خود نویسنده حاضر است و شخصاً حرف میزند بدیهی است در هر موقع لحن و آهنگ او تغییر میکند گاهی غضبناک است و بالحن تند حرف میزند هنگامی خود را تقصیر کار نشان میدهد و با آهنگ تضرع و استغاثه طلب عفو میکند و یا چنین بنظر میاید که بواسطه پیش آمد ناگواری اندوه و ملال باو مستولی شده واز بیانات او آثار حزن و کدورت مشهود می گردد و بهمین نحو در بیان سایر احساسات آهنگ او دائماً تغییر داده میشود ما باید مانند اکثر های صحنه تئاتر و یا مثل اشخاصی که بطور طبیعی وبدون تصنع صحبت میکنند قطعات نویسندگانرا قرائت کنیم تا روح آنها از ما خشنود و حقیقه افکار آنان بچشم گردد .

(۲) چون مقصود اصلی فصاحت و بلاغت شد پس باید طفل قبلا معنی و مفهوم متن را درک نماید برای این منظور شرح خلاصه حکایت و تفسیر بعضی کلمات و عبارات از خارج لازم است اگر حکایات و متن ها مطابق قوه شاگرد انتخاب شده باشد این قسمت چندان مشکل و طولانی نخواهد بود

(۳) بالاخره پس از اینکه شاگردان درس را فرا گرفتند و بنکات ادبی و دستوری چنانکه ذیلا شرح داده شد آشنا شدند موقع است که قسمتی از متن و یا تمام آنرا - گاهی با بعضی تغییرات عبارت - دیکته گویند

در غالب مدارس ما معمول است که دیکته را از کتبی که شاگرد نخوانده و قاعده فوق قوه او است انتخاب مینمایند و چون طبیعت اغلاط او زیاد خواهد بود از توییح و ملامت او مضایقه نموده نمره اش را بیجهت کسر میکنند در صورتیکه شاگرد بیچاره تقصیری ندارد: از او چیز هائی خواسته شده که علمش را ندارد فرض کنید بنده مهندسی نمیدانم و مرا مجبور کنند که جاده شمیران را بسازم اگر خدمت خود را بنحو صحیح انجام ندهم آیا تقصیر با بنده است خیر! با کسی است که بر خلاف قاعده بمن تکلیف شاق نموده و کار را بکاردان نداده است همینطور است در مدرسه: اگر از شاگرد چیزی را بخواهیم که نخوانده و فرا نگرفته است توقع بیجائی نموده ایم و حقیقت بی عدالتی را من غیر مستقیم باو تلقین کرده ایم و اگر این شخص در آئینه وزیر شد و بعضو مبتدی تازه واردی بدون سابقه و مقدمه امانت مالیه ایالتی و یا ریاست فنی فلان اداره را که ابداً مربوط بمعلومات او نیست واگذار کرد آیا این وزیر قابل سرزنش و ملامت خواهد بود؟ البته خیر زیرا این سلیقه و رویه را از مدرسه پیدا کرده و پایه تربیتش از ابتدا بر روی اساس نا صحیح گذاشته شده است بنا بر این باید معتقد گردید دیکته را از متن هائی انتخاب نمود که سابقاً بشاگرد تدریس شده و لغات آنرا بذهن سپرده است زیرا دیکته يك نوع امتحان و تمرینی است از دروس سابقه و فقط برای همین منظور هم از ابتدا مرسوم و معمول گردیده است.

۲ - بیان غرض و صورت

(۱) غرض یا ماده و صورت - شاعر در حالتیکه محزون است

ستارگان را طرف خطاب خویش قرار داده با حال تضرع مناجات مینماید زیرا در این شب بجز ستارگان زنده دیگری نمی بیند همه چیز در اطراف او مرده، سکوت کامل شب و شاید یاد معشوقه عزیزی که در گذشته است روح او را متألّم ساخته و این ناله حزین را از از عمیق ترین و حساس ترین تار های قابض بطرف آسمان بلند میکند در این قطعه سه قسمت موجود است که بترتیب عروج، توقف و نزول ستاره را بیان میکند: این سه قسمت را از یکدیگر تفکیک کنند آیا ستاره را با وجود اینکه درخشان است میتوان بصفّت «رنک پریده» توصیف کرد؟

آیا با آوردن کلمات: «جبهه» و «پیشانی» مقصود شاعر این نیست که برای ستاره شخصیتی قائل شود؟
کلمات: «پرده ظلمت» «خیمه شب» «قصر لاجوردی» را توضیح و نشان دهید که شاعر ستاره را مانند يك نفر انسان طرف خطاب قرار میدهد

دور نمای مختصر طوفان را که در حال رفتن است مجسم نموده توضیح دهید شرح و تفصیلی که برای آن بیان میکنند صحیح است یا خیر؟
آیا کلمات «لرزان» و «میگیرید» که در باره جنکلی استعمال شده بموقع آورده شده است؟

در عبارت: «افسوس می بینمت باغوش خیال میخزی.....» الی نگاه متزلزلت محو و نا پیدا شود، سه اسم پیدا کنید که باز دلیل بر شخصیت ستاره باشد

آیا ستاره میتواند «مالیخولیائی و محزون» باشد و یا شاعر است

که احساسات باطنی خود را در وجود آن فرض میکنند ؟
از این عبارت : « وایکه از آن مواقع رفیعه و دست نارس
خود الی مشاهده می نمائی » چه منظره و دورنمایی در نظر
شما مجسم میشود ؟

ملاحظه کنید شاعر چطور با کمال بی صبری در دربار از ستاره
سؤال میکند :

« پس در این شام سیه عزم کجا داری ؟ »

« در سکوت مطلق شب بکجا میروی ؟ »

و در آخر مثل اینکه از عاقبت او هراسناک است میگوید :
« شاید میخواهی همچون مروارید شفاف و در تلالائی با عمق
بحر بیکران در غلظتی ؟ »

۲ - آلفرد دوموسه چطور نویسند است - آلفرد دوموسه یکی
از شعرای بزرگ قرن نوزدهم است (۱۸۱۰ - ۱۸۵۷) تصنیفات
او غالباً ملیح و مؤثر و مملو از بیک نوع احساسات لطیفه و رقیقه است
که در کمتر از آثار شعرا دیده میشود قرائت قطعه فوق روح ما را
متاثر میسازد زیرا از طرفی مناظر دلکش طبیعت را در نظر ما مجسم
نموده از طرف دیگر اندوه قلبی شاعر را میرساند که در این شب
ظلمانی بتماشای ستارگان پرداخته حرکت آنان را بمانند سیر عمر فانی
می نگرد .

(۲) در متن پیدا نمائید :

۱ - عبارات استغفامی را . مثال : از آن قصر و بارگاه لاجوردیت

در کمر آسمان چه نظاره میکنی ؟

- ب - ندا ها را . مثل « ای کوکب رنگ رفته شبانگاه ! »
 ج - عباراتی که در آن کلمات در جای حقیقی خود استعمال نشده
 مقدم و مؤخر ذکر شده اند : « آیا در سواحل يك خوابگاه نیستانیرا
 انتظار و آرزو داری ؟ »

۳ - تملیات دستوری

- (۱) تجزیه - عبارت « در این شام سیه عزم کجا داری »
 را تجزیه کنید :

در : علامت مفعول غیر صریح (حرف اضافه)

این : اسم اشاره (اشاره نزدیک)

شام : اسم عام مفرد بسیط ، جامد

سیه : صفت مطلق از برای شام .

عزم : اسم معنی .

کجا : از ادوات استفهام جهت مکان .

داری : فعل و فاعل زمان حال (ی) ضمیر متصل فاعلی دوم

شخص مفرد مخاطب ؟

(۲) ترکیب - در این شام سیه : مفعول غیر صریح

عزم کجا : مضاف و مضاف الیه مفعول صریح از برای داری

داری : فعل و فاعل

۴ - تمرینات کتبی

اول يك شب پرستاره را مشاهده نموده بغد در عبارات ذیل در

جاهای خالی کلماتی که مرط باشد و سرد باشد و ...

در آسمان ستاره‌های..... (اسامی ستاره‌های مختلف) را مشاهده می‌کنیم - قدما آسمانرا مانند يك جامدی تصور میکردند - امروز ستارگان را اجسام میدانم - بر حسب مواقع و فصول آسمان است در شبهاییکه هوا صاف است ستارگان بمثل و آسمان بمانند می‌نماید - آسمان را با مشاهده می‌نمایند - کره ماه است از زمین - کره قمر مراحلی دارد که به موسومند

۵ - موضوع نویسی

راجع بیکمی از دو موضوع ذیل شرحی مرقوم دارید :

۱ - گردش در ماهتاب : خیال کنید شب ماهتابی با والدین خود بگردش رفته اید شرح آنشب را با تمام کیفیات بنویسید - قبلا لازمست برای حاضر کردن ذهن شاگردان و با راهنمایی آنها معلم باتفاق شاگردان در روی تخته سیاه طرحی بترتیب ذیل درست کند و ابن طرح در کلیه موضوعات نوشتنی باید قبلا درست شود زیرا چنانکه گفتیم لازمست شاگردان نه فقط در رفتار و حرکات خود بلکه در طرز فکر خود بترتیب و نظم عادت کنند

طرح موضوع فوق : (۱) از خانه خارج میشویم (۲) وضع آسمان چطور است (۳) آفتاب است یا مهتاب (۴) ستارگان (۵) خاتمه یا نتیجه : شبهای مهتاب فرخناک است

۲ - گردش در شب تاریک - شرح گردش را که در يك شب تاریک باید خود نموده اید نقل کنید



این بود نمونه از طرز تدریس لسان در فرانسه که بطور اختصار مذکور گردید اینک در این موضوع باصل مقصود که افتتاح باب اقتراح جدیدی است می پردازیم: محترماً از آقایان معلمینی که اوقات شریف خود را صرف تعلیم لسان و ادبیات فارسی نموده و با اشتیاق تمام آرزومندند در سر زمین ادیب پرور شرق ادبائی تهیه نمایند که در آئینه نزدیکی بتوانند رونق جدیدی ببازار از دست رفته ادبیات ایران بدهند و بلااقل مفاخر ادبی ادوار گذشته را محفوظ دارند تمنا میشود سه سئوان ذیل جواب کافی داده نظریات و تجویبات خویش را بمعرض افکار عامه گذارند:

اولا - برای وصول بدین مقصود چه راهی را در نظر گرفته و بچه طریق عملی ممکن است باین منظور عالی و مقدس موفق و کامیاب شد

ثانیاً - علت اینکه با آنهمه زحمات جانگداز که از طرف معلمین محترم بمعرض ظهور و بروز میرسد بندرت می توانند به نتیجه منظوره نایل گردند و شاگردانی مطابق میل خود تقدیم جامعه کنند چیست؟

ثالثاً - علت انحطاط ادبی فعلی ایران چیست و چرا همانطوریکه مصر و بیروت منشأ ادبیات عرب شده و آثار پر قیمت ادبی آنها در تمام دنیا منتشر است از ایران چنین آثاری بزبان شیرین فارسی تقدیم جامعه بشر نمیکردد

حسب الله صحیحی

دارای دیپلم از دارالمعلمین فرانسه

کارکنان مجله تعلیم و تربیت مخصوصاً از معلمین زبان فارسی - تقاضا دارند این اقتراح مهم را که راجع بزبان و ادبیات یعنی اساس ملیت ماست بدرن جواب نگذاشته صحایف مجله را بمقاید و آراء خود زینت دهند.

مجله تعلیم و تربیت